

## شرق‌گرایی در ترکیه جدید



این واکنش در ادامه کشاکش‌های دو طرف در ماهها و سالهای اخیر را می‌توان از جمله شواهدی یاد کرد که می‌تواند به دوری هرچه بیشتر ترکیه از اتحادیه اروپا و در عوض شرق‌گرایی در سیاست خارجی این کشور منجر شود. در این میان، نقش رجب طیب اردوغان در جایگاه ریاست جمهوری ترکیه در این تحولات بیشتر به چشم می‌خورد.

### مقدمه

پنجاهه شدن برخی از افسران ترکیه در حال خدمت در سازمان ناتو به همراه پیشنهاد تحریم ترکیه توسط اتحادیه اروپا از سوی «مارتین شولتز» رئیس پارلمان این اتحادیه در نشست ماه آینده رهبران آن در واکنش به وضعیت رفتار دولت اردوغان با معترضین و مخالفان پس از کودتای اخیر این کشور را می‌توان نقطه عطفی در مناسبات دو طرف دانست که در صورت تصویب نه تنها اتحادیه گمرکی امضا شده میان آن‌ها در 1995 را بی‌اعتبار می‌سازد که روند الحاق ترکیه به این اتحادیه را با موانع جدی‌تری روبرو می‌کند. این واکنش در ادامه کشاکش‌های دو طرف در ماهها و سالهای اخیر را می‌توان از جمله شواهدی یاد کرد که می‌تواند به دوری هرچه بیشتر ترکیه از اتحادیه اروپا و در عوض شرق‌گرایی در سیاست خارجی این کشور منجر شود. در این میان، نقش رجب طیب اردوغان در جایگاه ریاست جمهوری ترکیه در این تحولات بیشتر به چشم می‌خورد.

دوران زمامداری رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه را می‌توان دوران اوج شرق‌گرایی در سیاست خارجی این کشور دانست. به این معنا که زمامداران ترک در دهه‌های گذشته در تلاش بودند تا با بهره‌گیری از موقعیت برتر جغرافیایی و به جا آوردن خواسته‌ها و رعایت معیارهای اتحادیه اروپا عضوی از آن شده و بخشی از «غرب» به شمار آیند. با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در 2002 این نگرش، به لحاظ محتوایی و رفتاری دچار تجدیدنظر شد. در آن زمان رهبران ترکیه با استناد به راهبرد «تنش صفر با همسایگان» در صدد برآمدند تا ضمن تلاش برای پیوستن به بزرگترین اتحادیه اقتصادی جهان، همزمان با دیگر قطب‌های قدرت و از جمله همسایگان روابط گرم و مناسبی داشته باشند. اما با این وجود، در سال‌های اخیر و به ویژه از زمان ریاست جمهوری اردوغان شاهد رفتارهای اگر نگوئیم بی‌سابقه، دست کم کم‌سابقه‌ای از جانب دولت این کشور بوده‌ایم که نشان از «شرق‌گرایی» در سیاست خارجی این کشور دارد.

در مطالعه رفتار دولتها در عرصه سیاست خارجی، جیمز روزنا، اندیشمند و نظریه‌پرداز سیاسی، چارچوب تحلیلی‌ای طراحی کرده که در آن رفتار دولتها در عرصه سیاست خارجی متأثر از متغیرهای فرد، نقش، حکومت، جامعه و نظام بین‌الملل مورد توجه قرار می‌گیرد. بر اساس این چارچوب تحلیلی می‌توان نقش‌آفرینی همزمان این متغیرها در شرق‌گرایی سیاست خارجی ترکیه را ارزیابی کرد. کیش شخصیتی اردوغان، جایگاه او در مقام ریاست جمهوری، برخورداری از پشتیبانی طرفداران و همچنین نگرش نظام حاکم بر سیاست‌ورزی در مناسبات بین‌المللی در پرهیز از بازیگری زیر علم دیگر بازیگران و سرانجام کنش و واکنشی ترکیه در قبال دیگر کنشگران بین‌المللی سبب شده است تا شاهد رفتاری متفاوت با آن چیزی باشیم که در دهه‌های پیش بر سیاستگذاری خارجی ترکیه حاکم بود.

در این‌جا سخن کوتاه می‌کنیم و تنها به متغیر «اردوغان» به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی - سیاسی در سپهر سیاست‌ورزی ترکیه می‌پردازیم. رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور کنونی ترکیه، ورود جدی به عرصه سیاست را در اوایل دهه 1990 و از شهرداری استانبول آغازید و به خاطر طرفداری از حزب رفاه به رهبری نجم الدین اربکان، که بعدها غیررسمی و منحل اعلام شد، از این سمت عزل و چند سالی از فعالیت سیاسی منع شد. پیروزی حزب عدالت و توسعه، که دربرگیرنده رهبران و طرفداران حزب منحل شده رفاه بود، در انتخابات پارلمانی 2003 ورق را به نفع اردوغان برگرداند و او به عنوان نخست وزیر ترکیه برگزیده شد. همراهی احمد داووداوغلو به عنوان وزیر امور خارجه و طرح و اجرای راهبرد «تنش صفر با همسایگان» در دوران سکانداری وی، راه را برای نزدیکی بیشتر با همسایگان و قدرتهای نوظهوری چون روسیه هموار ساخت، در حالیکه همچنان دولت ترکیه می‌کوشید تا از دروازه اتحادیه اروپا بگذرد و تنها دولت مسلمان عضو این اتحادیه شود.

وقوع رویداد و تحولات موسوم به «بهار عربی» و یا «بیداری اسلامی»، آزمون بزرگی بود که این راهبرد در عمل به سنجش گذاشته شود. تیرگی روابط با دولت برخاسته از سرنگونی دولت اخوانیها در مصر، صف آراییی با دیگر همسایگان بر سر بحران سوریه و عراق و حمایت و برقراری روابط تنگاتنگ اقتصادی با گروه‌های مسلح در آن دو کشور در کنار قطر و عربستان، تنش‌زا شدن روابط با اتحادیه اروپا و ایالات متحده بر سر موج مهاجرت به سمت غرب و عدم همراهی ناتو با این کشور در برآورده شدن نیازهای امنیتی در برابر تهدیدات مرزی با سوریه و عراق و... همگی نشان از پیچیدگی امور و شدت گرفتن اختلاف نظر میان سیاستمداران ترکی بر سر چگونگی مدیریت بحران در روابط خارجی خود دارد.

این اختلاف نظر و چه بسا کشمکش قدرت، بیش از هر زمان دیگر پس از انتخابات پارلمانی گذشته در اکتبر 2015 خود را نشان داد و با کناره‌گیری اوغلو از رهبری حزب عدالت و توسعه و همچنین پست نخست وزیری به اوج رسید. اردوغان که در 2014 با رای مستقیم مردم به عنوان رئیس جمهور ترکیه برگزیده شد، اوغلو را متهم به مسامحه و کم‌کاری در عرصه سیاست خارجی کرد و خواستار سیاستی مستقلانه و سختگیرانه‌تری در قبال مسایل بین‌المللی همچون موج مهاجرت‌ها و رفت و آمد بدون ویزای شهروندان ترک در اتحادیه اروپا و همچنین ایفای نقشی جدی‌تر در قبال تحولات منطقه‌ای است.

در واقع امر، اردوغان در پی آن است تا با اصلاح قانون اساسی و افزایش نقش و جایگاه ریاست جمهوری در نظام سیاسی ترکیه، نقشی همچون کمال آتاتورک در تاریخ معاصر این کشور به یادگار بگذارد. او که از سوی طرفدارانش با القابی همچون «سلطان» و «استاد اعظم» یاد می‌شود، با نگاهی اقتدارگرایانه پیش از این نیز عبدالله گل، رهبر سابق حزب و همچنین «بلنت آربینچ» دیگر بنیانگذار حزب عدالت و توسعه را قربانی این خواسته خود کرد که تنها نگرش و برداشت او از آرمان «ترکیه جدید» می‌تواند نجات‌بخش آینده این کشور باشد.

از آنجایی که سیاست خارجی ادامه سیاست داخلی است، با افزایش روزافزون قدرت اردوغان، شاهد نقش‌آفرینی بیشتر او در کنش‌ورزی خارجی ترکیه هستیم به طوری که اکنون کمتر روزی است که واکنشی از اردوغان در رسانه‌ها منتشر نشود. در روزهای اخیر با پناهنده شدن برخی از افسران ارتش ترکیه در حال خدمت در ناتو در کشورهای متحد و همچنین بازداشت برخی چهره‌های احزاب کردی در پارلمان، ترکیه با طیف گسترده‌ای از انتقادات غربی روبرو شده است. رئیس جمهور ترکیه، ادعای غربی‌ها در پشتیبانی از تروریست‌ها را به خودشان برگردانده و یادآور شده که این کشورها اگرچه پ ک ک را در زمره گروه‌های تروریستی قرار داده‌اند ولی فعالیت آزادانه اعضای این گروه در کشورهای غربی و همچنین پناه دادن به فتح اله گولن، رهبر کودتاچیان و امتناع از تحویل وی به مقامات ترکیه، پرده از چهره واقعی غرب کنار زده است. اهمیت موضوع برخورد با جنبش گولنیست‌ها برای اردوغان تا به آنجا است که مقامات ترکیه در پیام تبریک به دونالد ترامپ، رئیس جمهور منتخب ایالات متحده، گرم شدن دوباره روابط را منوط به بازگرداندن او دانستند.

اما در همان حال که ترکیه اردوغانی در حال فاصل گرفتن از غرب و ایالات متحده است، به روسیه نزدیک‌تر شده است. از جمله دلایل نزدیکی هرچه بیشتر اردوغان به پوتین، به تشابهات منش و شخصیت فردی او با همتای روسی‌اش برمی‌گردد. شخصیت اقتدارگرای اردوغان همچون پوتین فضای چندانانی را برای عرض اندام مخالفین داخلی بر نمی‌تابد و در عرصه خارجی نیز تمایلی چندانانی به پایبندی به اصول و ارزش‌های غربی ندارد و آنها را دستاویزی در مداخله امور دیگر کشورها می‌داند. انتقادات گسترده دولتها و نهادهای حقوق بشری غربی همچون «گزارشگران بدون مرز» علیه رفتار آنکارا در برابر مخالفان به ویژه پس از کودتای اخیر، اردوغان را به این نتیجه رسانده که کنار آمدن با پوتین راحت‌تر از نشستن با غربی‌های دموکرات برای رسیدن به توافق احتمالی است.

این دو کشور تا پیش از سرنگونی جنگنده روسی در آذرماه سال گذشته، روابط گرمی داشتند و حتی ترکیه در جریان تحریم‌های غرب علیه روسیه در ماجرای بحران اکرابین، حاضر به همراهی آن‌ها نشد و ضمن میزبانی از ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور در آذرماه 1393 دو طرف بر تلاش مشترک برای راهبردی شدن روابط و مناسبات دوجانبه تأکید داشتند. اما سرنگونی سوخوی روسی و کشته شدن یکی از خلبانان، روابط دو کشور را وارد مرحله تازه‌ای از تنش‌ها کرد که در این میان ترکیه به لحاظ اعمال تحریم‌های مالی و اقتصادی یک‌جانبه شدید روسیه متحمل خسارت‌های اقتصادی زیادی شد.

در عین حال تنها ماندن در بحران سوریه و ناتوانی در همراه کردن غرب در تأمین نیازهای امنیتی خود سبب شد تا این کشور در تنگنای امنیتی قرار گیرد. از این رو، ناگزیر به سمت روسیه شتافت و حاضر شد تا خواسته از موضع برتر روسیه مبنی بر عذرخواهی رسمی به خاطر سرنگونی هواپیمای روسی بر فراز خاک سوریه را بپذیرد. کودتای نافرجام و البته غبارآلود تیرماه گذشته فرصت مغتنمی بود برای رهبران ترک تا ضمن برانگیزگی جستن از دست داشتن در سرنگونی جنگنده روسی، هم از روس‌ها به خاطر در اختیار قرار دادن اطلاعات محرمانه در شب کودتا قدردانی کنند و آن‌ها را «دوستان روزهای سخت» خود بدانند و هم به روس‌ها نشان دهند که روابط خوب و سازنده دو کشور قربانی توطئه‌چینی‌های بدخواهانی در داخل ترکیه و حامیان‌شان در خارج این کشور شده است.

در این میان، اما بر سر عضویت ترکیه در پیمان نظامی ناتو نیز تردیدهایی میان رهبران و افکار عمومی این کشور بوجود آمده است. ترکیه که دارنده دومین نیروی نظامی بزرگ ناتو به شمار می‌رود، تاکنون در عملیات‌های نظامی گوناگون این پیمان از بحران کره 1974 گرفته تا افغانستان 2001 شرکت جسته است، اما با این وجود این پرسش نزد سیاستمداران و افکار عمومی ترک مطرح است که در مقابل این همه خدماتی که ترکیه در طول دهه‌ها به ناتو داشته آیا این اطمینان وجود دارد که در روزهای سخت و تهدیدات فرامرزی به داد ترکیه برسد؟ ترک‌ها با استناد به خودداری از همراهی این پیمان در برابر تهدیداتی مرزهای مشترک با سوریه پاسخ منفی به این پرسش می‌دهند. اعتراض جان کری، وزیر خارجه ایالات متحده در خصوص چگونگی رفتار با معترضین کودتا و تهدید به اخراج ترکیه از ناتو نیز مزید بر علت شده است. غربی‌ها بر این باور هستند که ناتو سازمانی با هدف دفاع از دموکراسی پایه‌گذاری شده است و رفتار ترکیه در قبال معترضین خلاف این اصل اساسی است. اگرچه نمی‌توان در میان مدت انتظار داشت که این خط‌کشی‌ها به جدایی ترکیه از ناتو منتهی شود ولی بالطبع هرچه واگرایی میان این دو بیشتر شود، به نفع روسیه خواهد بود. از سوی دیگر تمایل به عضویت در «اتحادیه گمرکی» به جای اتحادیه اروپا و همچنین «سازمان همکاری‌های شانگهای» که از آن به عنوان «ناتوی شرق» یاد می‌شود و یا مجمع تازه راه‌اندازی شده «بریکس» که در برگزیده قدرت‌های بزرگ نوظهور اقتصادی چین، روسیه، هندوستان، آفریقای جنوبی و برزیل است، ترک‌ها را بر آن داشته تا رفته رفته اهداف توسعه‌خواهانه خود را در اتحادیه‌های جایگزین جستجو کنند.

چگونگی انجام عملیات نظامی دو طرف در سوریه نیز اگرچه روزگاری نه چندان دور، روابط آن‌ها را شکرآب کرده بود، اما اکنون به موضوعی برای نزدیکی هرچه بیشتر رهبران دو کشور در انجام عملیات نظامی در آن کشور جنگ زده شده است. ترکیه با علم به این موضوع که در عمل، این روسیه است که بازبزرگ اصلی در آوردگاه نظامی سوریه به شمار می‌رود، به منظور کسب موافقت روسیه و همچنین اجرای آسوده‌تر عملیات موسوم به «سپر فرات» در مناطق شمالی سوریه، گامی فراتر برای نزدیکی امنیتی با روسیه برداشته تا جایی که دو کشور در شهریور گذشته از «توافق ضمنی» در نگارش پیش نویس توافقنامه امنیتی مشترکی خبر دادند که بر اساس آن طرفین یکدیگر را در جریان عملیات‌های نظامی خود قرار می‌دهند تا از هرگونه عملیات همزمان در یک منطقه پرهیز کنند.

#### فرجام سخن

در این گزارش تلاش شده است تا به بررسی کوتاه اما موجز در تغییر محسوس سیاست خارجی ترکیه از غرب‌گرایی به شرق‌گرایی با تاکید بر نقش رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه پرداخته شود. طبیعتاً ویژگی‌های شخصیتی رهبران کشورها و همچنین جایگاهی که فرد در آن قرار می‌گیرد تأثیر به‌سزایی در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی کشورها دارد. در این میان اما، الگوی شخصیتی و نقش اردوغان در گرایش به شرق نقش سازنده‌ای داشته است. تشابهات فردی با ولادیمیر پوتین، همتای روسی اردوغان و همچنین الگوی آرمانی اقتدارگرایانه او، راه را برای این امر هموارتر کرده است. بی‌اعتمادی به غرب و ناتو در جریان کودتای نافرجام و همچنین بحران سوریه، پیشنهاد تجدیدنظر و برگرداندن مجازات اعدام به قوانین جزایی کشور، که زمانی پیش نیاز عضویت در اتحادیه اروپا بود، چراغ سبز به روسیه در بهره‌برداری از پایگاه هوایی راهبردی اینجریلیک در انجام عملیات نظامی علیه داعش از جمله تصمیم‌هایی است اردوغان در این راه گرفته است.

یاسر میرک